

مجامع عمومی شرکت های تعاونی

مؤلف

فهمیه کرابی یگانه

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

انتشارات جاودانه

سرشناسه : ترابی یگانه، فهیمه، ۱۳۶۳-
 عنوان و نام پدیدآور : مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی / فهیمه ترابی یگانه.
 مشخصات نشر : تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۲۱۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۲۶۲-۲
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 موضوع : تعاونی‌ها - ایران - مجمع عمومی
 موضوع : تعاونی‌ها - قوانین و مقررات - ایران
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۲ ت ۴۴ / ۵۶ / ۵۳۲ HD
 رده‌بندی دهویی : ۳۳۴ / ۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۸۸۶۳۵

چاپ اول

عنوان کتاب: مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی
 تألیف: فهیمه ترابی یگانه
 ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل
 ناظر فنی: امین لشکری
 نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۲
 قطع و تیراژ: رقعی، ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۲۶۲-۲

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)
[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰
 ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

علائم اختصاری

ر.ش	رجوع شود
ق.ب.ت.	قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ^۱ مصوب ۱۳۷۰
ق.ش.ت.	قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰
ق.م.	قانون مدنی مصوب ۱۳۰۲
ل.ا.ق.ت.	لایحه‌ی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ ^۲

۱- در این کتاب اختصاراً به این قانون بخش تعاونی گفته می‌شود.

۲- در این کتاب اختصاراً به آن لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت گفته خواهد شد.

فهرست مطالب

مقدمه

بخش اول: وجوه مشترک مجامع عمومی عادی و فوق العاده

- فصل اول: تشکیل مجامع عمومی ۳
- مبحث اول: روند تشکیل ۳
- گفتار اول: دعوت ۳
- بند اول: نحوه دعوت ۴
- بند دوم: فاصله‌ی زمانی بین دعوت مجامع و تاریخ تشکیل آنان ۷
- بند سوم: مواعد دعوت ۱۱
- بند چهارم: مقامات دعوت‌کننده‌ی هیأت مدیره ۱۳
- بند پنجم: اشخاص مجاز برای درخواست دعوت ۱۶
- بند ششم: وظایف مربوط به مقام دعوت‌کننده ۱۷
- گفتار دوم: ترکیب مجامع ۱۸
- گفتار سوم: ملاک تشخیص اعضای حاضر در مجامع ۲۲
- گفتار چهارم: اداره‌ی مجمع ۲۲
- مبحث دوم: برگزاری هر یک از مجامع عمومی به صورت دو مرحله‌ای ۲۷
- گفتار اول: فلسفه‌ی تشکیل مجامع دو مرحله‌ای ۲۸
- گفتار دوم: مراحل ۲۸

بند اول: مرحله‌ی اول (انتخاب نمایندگان)	۲۸
الف- حوزه‌ها و تقسیم‌بندی اعضا	۲۸
ب- نحوه‌ی انتخاب نمایندگان	۳۰
۱- تشکیل جلسه	۳۰
۲- صندوق انتخابات	۳۱
بند دوم: مرحله‌ی دوم (برگزاری مجمع عمومی)	۳۲
مبحث سوم: حقوق اعضا در رابطه با تشکیل مجامع عمومی	۳۴
گفتار اول: حق درخواست تشکیل مجمع	۳۴
گفتار دوم: حق حضور و حق دادن رأی	۳۶
بند اول: حق حضور	۳۷
بند دوم: حق دادن رأی	۴۰
گفتار سوم: حق انتصاب نماینده	۴۲
فصل دوم: تصمیمات مجامع عمومی	۴۷
مبحث اول: اتخاذ تصمیمات	۴۷
گفتار اول: نحوه‌ی اتخاذ تصمیمات	۴۷
گفتار دوم: محدودیت در اتخاذ تصمیمات	۵۰
مبحث دوم: صورتجلسه و ثبت تصمیمات	۵۱
گفتار اول: صورتجلسه	۵۱
گفتار دوم: ثبت تصمیمات	۵۲
بند اول: اثر ثبت	۵۲
الف- تغییرات	۵۲
ب- خاتمه‌ی شرکت	۵۳
بند دوم: موارد لازم برای ثبت	۵۴

فصل سوم: ضمانت اجراهای مرتبط با تشکیل و تصمیمات مجامع عمومی.....	۵۷
مبحث اول: ضمانت اجرای حقوقی.....	۵۷
مبحث دوم: ضمانت اجرای کیفری.....	۶۷

بخش دوم: وجوه افتراق مجامع عمومی عادی و فوق العاده

فصل اول: تشکیل مجامع عمومی.....	۷۳
مبحث اول: مجمع عمومی عادی.....	۷۳
گفتار اول: زمان تشکیل.....	۷۳
گفتار دوم: حد نصاب لازم برای رسمیت جلسات.....	۷۷
بند اول: نوبت اول.....	۷۸
بند دوم: نوبت دوم.....	۷۹
مبحث دوم: مجمع عمومی فوق العاده.....	۸۶
گفتار اول: زمان تشکیل.....	۸۶
گفتار دوم: حد نصاب لازم برای رسمیت جلسات.....	۸۷
بند اول: نوبت اول.....	۸۷
بند دوم: نوبت دوم.....	۸۷
بند سوم: نوبت سوم.....	۸۷
فصل دوم: تصمیمات مجامع عمومی.....	۸۹
مبحث اول: مجمع عمومی عادی.....	۸۹
گفتار اول: اولین مجمع عمومی عادی.....	۹۱
بند اول: تصویب اساسنامه.....	۹۳
بند دوم: انتخاب اولین هیأت مدیره و بازرسان.....	۹۶

بند سوم: انجام سایر وظایف مجامع عمومی مرتبط با اولین مجمع عمومی.....	۹۷
گفتار دوم: مجامع عمومی بعدی.....	۹۹
بند اول: انتخاب مدیران و بازرسان.....	۹۹
الف- نحوه‌ی انتخاب و اکثریت لازم برای آن.....	۹۹
ب- تعداد، مدت مأموریت.....	۱۰۲
۱- تعداد.....	۱۰۲
۲- مدت مأموریت.....	۱۰۴
بند دوم: اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر گزارش‌های مالی.....	۱۰۷
بند سوم: تعیین خط‌مشی و تصویب بودجه‌ی جاری و سرمایه‌گذاری و اعتبارات و وام‌های درخواستی و سایر عملیات بانکی.....	۱۱۲
بند چهارم: تصویب مقررات و دستورالعمل‌های داخلی.....	۱۱۳
بند پنجم: اتخاذ تصمیم نسبت به کاهش یا افزایش سرمایه.....	۱۱۵
الف- افزایش سرمایه.....	۱۱۷
۱- منابع افزایش سرمایه.....	۱۱۹
۱-۱- استفاده از ذخیره‌ی قانونی.....	۱۱۹
۱-۲- استقراض و استفاده از تسهیلات اعطائی مراجع دولتی و عمومی.....	۱۲۰
۲- طرق افزایش سرمایه.....	۱۲۲
۲-۱- خرید سهام توسط اعضاء قبلی.....	۱۲۲
۲-۲- خرید سهام توسط اعضاء جدید.....	۱۲۵
ب- کاهش سرمایه.....	۱۲۶
بند ششم: اتخاذ تصمیم نسبت به ذخایر و پرداخت سود مازاد و تقسیم آن طبق اساسنامه.....	۱۳۱

الف- ذخیره‌ی قانونی	۱۳۱
ب- سایر موارد	۱۳۲
بند هفتم: اتخاذ تصمیم نسبت به عضویت شرکت تعاونی در اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون و میزان سهام با عضویت سالانه	۱۳۳
بند هشتم: تعیین روزنامه‌ی کثیرالانتشار	۱۳۴
بند نهم: وظایف مندرج در سایر مواد قانونی	۱۳۵
الف- عزل بازرسی	۱۳۵
ب- اتخاذ تصمیم نسبت به اخراج اعضاء	۱۳۷
۱- موارد اخراج	۱۳۷
۲- مرجع تصمیم‌گیری	۱۴۳
۳- تکلیف سهم و حقوق و مطالبات عضو اخراج شده	۱۴۶
ج- اتخاذ تصمیم نسبت به گزارش‌ها و پیشنهادهای بازرسان	۱۴۹
مبحث دوم: مجمع عمومی فوق‌العاده	۱۵۱
گفتار اول: تغییر اساسنامه	۱۵۲
گفتار دوم: عزل و قبول استعفای هیأت مدیره	۱۵۴
بند اول: عزل	۱۵۴
بند دوم: استعفا	۱۵۸
گفتار سوم: ادغام	۱۶۱
بند اول: شرایط ادغام	۱۶۴
بند دوم: تشریفات ادغام	۱۶۵
الف- مقام دعوت‌کننده برای ادغام	۱۶۵
ب- تشکیل مجمع عمومی مشترک	۱۶۶
۱- نصاب رسمیت	۱۶۶
۲- نصاب تصمیم‌گیری	۱۶۷

- ج- اقدامات هیأت مدیره ۱۶۷
- ۱- ثبت شرکت جدید ۱۶۷
- ۲- ارسال و اعلام تصمیمات ۱۶۸
- ۳- تهیه‌ی دفترهای قانونی جدید ۱۶۹
- گفتار چهارم: انحلال ۱۶۹
- بند اول: موارد انحلال ۱۶۹
- الف- تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده ۱۷۰
- ب- انقضای مدت ۱۷۱
- بند دوم: شرایط انحلال ۱۷۱
- الف- تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده ۱۷۱
- ب- موافقت دستگاه‌های عمومی اعطا کننده‌ی منابع مالی به شرکت تعاونی ۱۷۲
- ج- ثبت انحلال ۱۷۴
- گفتار پنجم: رسیدگی و تصمیم‌گیری درباره‌ی گزارش بازرس یا هر یک از بازرسان درباره‌ی تخلفات هیأت مدیره و مدیرعامل ۱۷۵
- نتیجه‌گیری ۱۷۷
- منابع و مآخذ ۱۸۳

الف- تاریخچه و طرح موضوع

در جوامعی که روابط مردم بر مبنای آزادی معاملات شکل گرفته است، عده‌ای با تکیه بر سرمایه‌ی خود برای زندگی بهتر و رفاه بیشتر در مقام افزایش این ثروت برمی‌آیند، از دیگران و دسترنج آنان استفاده می‌کنند و به استثمار مردم از طریق اقدامات ساده‌ی تجاری روی می‌آورند.

این‌گونه اقدامات موجب افزایش اختلافات طبقاتی شده به شکلی که دستمزد ناچیز طبقه‌ی کم‌درآمد تکافوی جبران افزایش قیمت‌ها را نمی‌کند. برای حل مشکلات اقتصادی و بعنوان یک راهکار، افراد این طبقه که پس‌انداز زیادی ندارند دور هم جمع می‌شوند تا بتوانند با تشکیل شرکت‌های تعاونی و استفاده از حاصل سرمایه‌های جزئی و کار دسته‌جمعی نیازهای انسانی خود را با ارزان‌ترین قیمت‌ها برآورده سازند. اینگونه اقدامات بنا به دلایلی مانند کمک به طبقه‌ی فقیر و متوسط جامعه و رفع نیاز آنان، مورد حمایت قانونگذاران و دولت‌ها قرار گرفته است.

اما از آنجایی که ارائه‌ی تسهیلات و امتیازات بی‌ضابطه ممکن است مورد سوءاستفاده‌ی سرمایه‌داران، برای بدست آوردن سود بیشتر، قرار گیرد. به منظور جلوگیری از وقوع چنین وضعیتی و نیز پیشرفت اینگونه شرکت‌ها برقراری یکسری اصول و قواعد ضروری است. اصول و قواعدی که در حال

حاضر موجب تفاوت شرکت‌های تعاونی از سایر شرکت‌های تجاری شده است.

سیستم موجود در شرکت‌های تعاونی موجب ایجاد تعادل در بهره‌گیری از فعالیت‌های افراد می‌گردد. در خارج از این سیستم، از یکسو سلب آزادی فعالیت‌های افراد باعث پیدایش روحیه‌ی رکود، تنبلی و رخوت در آن‌ها می‌گردد و از دیگر سو آزادی مطلق این فعالیت‌ها نیز موجب استثمار شدن اکثریت اجتماع توسط اقلیتی می‌شود که جز به منافع خود نمی‌اندیشند؛ در نتیجه انحصار، احتکار و واسطه‌گری به علت داشتن سود بیشتر و زحمت کمتر در اجتماع، رونق می‌یابد. اما در شرکت‌های تعاونی علاوه بر اقداماتی که دولت در جهت تعدیل سیستم و جلوگیری از استثمار به کار می‌برد، افراد جامعه نیز با اجتماع و اتحاد خود در قالب تشکیل تعاونی‌های تولید و مصرف به دفاع مشروع در مقابل سودجویی صاحبان سرمایه می‌پردازند. از آنجایی که سیستم سرمایه‌داری از قدیم‌الایام وجود داشته است، قدمت نهضت تعاونی نیز به بیش از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. در طی قرون و اعصار، تعاونی از یک مؤسسه‌ی فعال در زمینه‌های مذهبی و معنوی، تبدیل به یک سازمان کسب و کار شده است و به جای برآورده ساختن احتیاجات روحی و معنوی، به حل مشکلات اقتصادی اعضاء خود می‌پردازد.^۱

این نهضت پس از انقلاب صنعتی اهمیت بیش‌تری یافت و اصول آن کامل‌تر گردید. مهم‌ترین نمونه از شرکت‌های تعاونی که با فعالیت خود توجه همگان را به این شیوه جلب نموده و پایه‌ی شرکت‌های تعاونی واقع شده، شرکتی موسوم به «راچدیل» است. این شرکت در سال ۱۸۴۴ - زمانی که

۱- روی، اول پل، شرکت‌های تعاونی، وضع فعلی و آینده‌ی آن‌ها، جلد اول، ترجمه، انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور، نشریه‌ی شماره ۲۰، سال ۱۳۴۷، ص ۳۲.

بافندگان بخش راجدیل در لانکاشیر انگلستان دچار بیکاری شدند و حتی رباخواران حاضر به پرداخت وام به آنها نشدند - توسط ۲۸ نفر و با سرمایه‌ی بسیار اندک تشکیل شد. این افراد به تأسیس فروشگاه‌ی برای رفع احتیاجات مشترک خود اقدام کردند. به تدریج و در نتیجه‌ی افزایش تعداد شرکای این مؤسسه، سرمایه‌ی آن نیز رو به فزونی نهاد. در حال حاضر بخش مزبور به حدی ترقی کرده که شرکای آن به بیش از ۱۱ میلیون نفر بالغ می‌شوند و تمام احتیاجات شرکا از تولد تا مرگ از طریق همین مؤسسه تأمین می‌شود.^۱

بدین ترتیب شرکت تعاونی راجدیل امروزه به عنوان یکی از تعاونی‌های بزرگ جهان شمرده می‌شود. اقدامات مؤسسين شرکت راجدیل در پی‌ریزی اصول تعاونی هم اکنون مبنای شرکت‌های تعاونی محسوب می‌گردد به گونه‌ای که هیچ یک از شرکت‌های تعاونی بدون پیروی از آنها قادر به ادامه‌ی حیات نخواهد بود. این اصول عبارتند از:

عضویت آزاد و اختیاری، اداره‌ی شرکت بر اساس اصل دموکراسی، محدودیت سود سهام و....^۲

پس از تأسیس مؤسسه‌ی تعاونی راجدیل، راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی در کشورهای فرانسه، آلمان، سوئیس، هلند، ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی معمول گردید.

با آغاز قرن بیستم اندیشه‌ی تعاون براساس اندیشه‌های رایفایزن^۳ به

۱- عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، انتشارات شرکت سهامی چهر، چاپ سوم، ۱۳۵۰، ص ۱۶۶.

۲- ناهید، منوچهر، نقش شرکت‌های تعاونی در پیشرفت و توسعه‌ی کشاورزی، انتشارات مؤسسه‌ی آموزش و تحقیقات تعاون، ۱۳۴۶، ص ۲۵.

۳- از بنیانگذاران نهضت تعاون در آلمان

کشورهای خارج از قاره‌ی اروپا وارد شد. در قاره‌ی آسیا ژاپن و هندوستان نخستین کشورهایی بودند که به ابتکار دولت تعاونی‌ها را به وجود آوردند. پس از جنگ جهانی دوم نهضت تعاونی به سرعت رونق گرفت و از شکل اروپایی و قاره‌ای خارج و به معنای واقعی کلمه نهضتی جهانی شد.^۱

در کشور ما نیز نخستین شرکت تعاونی روستایی در سال ۱۳۱۴ توسط اداره‌ی فلاجت سابق در شهرستان گرمسار تشکیل گردید. مبنای تشکیل شرکت فوق قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ بود که در قالب مواد ۱۹۰ الی ۱۹۴ شرکت‌های تعاونی را مورد توجه قرار داده بود.

شرکت تعاونی نخستین بار در قانون تجارت مصوب سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ مورد قانونگذاری قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۱۱ فصلی مستقل به آن در قانون تجارت اختصاص یافت. اما هیچ کدام از این قوانین پاسخگوی نقش تعاونی‌ها در اقتصاد و نیز ساختار، تشکیلات و سایر مسائل مرتبط به آن نبود. با توجه به کاستی‌های موجود در قوانین فوق‌الذکر و عدم تقنین بسیاری از موضوعات مربوط به شرکت‌های تعاونی، قانون شرکت‌های تعاونی در شانزدهم مرداد سال ۱۳۳۴ مورد تصویب قرار گرفت. این اولین قانون شرکت‌های تعاونی بود که به‌طور مستقل و جدا از سایر قوانین موضوعه به تصویب رسید. پس از مطالعه و تحقیق تطبیقی در قوانین تعاونی، سرانجام در شانزدهم خرداد ماه سال ۱۳۵۰ قانون شرکت‌های تعاونی در ۲۵ فصل و ۱۴۹ ماده به تصویب رسید و مقرر شد که این قانون به مدت ۵ سال به صورت آزمایشی اجرا شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی موضوع مشارکت مردم در فعالیت‌های

۱- داویدویچ، ج، بسوی دنیای تعاون، ترجمه، سازمان مرکزی تعاون، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۰، ص ۱۳.

اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و در قانون اساسی بخش تعاونی به عنوان دومین بخش رسمی اقتصاد کشور هم ردیف با بخش‌های دولتی و خصوصی مورد شناسایی قرار گرفت. در راستای روند تکامل بخش تعاون در ایران و در جهت پاسخگویی صحیح به مفاد اصل ۴۴ قانون اساسی، طرح قانون تعاونی‌ها در دی ماه سال ۱۳۶۲ تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. این طرح یکی از جنجالی‌ترین طرح‌ها پس از انقلاب اسلامی بود که نزدیک به هشت سال در مجلس شورای اسلامی مورد بحث قرار گرفت و سرانجام در سیزدهم شهریور ماه ۱۳۷۰ به عنوان قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ فصل و ۷۱ ماده به تصویب رسید. اما شرکت‌های تعاونی در اجرای قانون مزبور با مشکلاتی روبرو شدند. یکی از مشکلات عمده کوتاه بودن دوران تصدی مدیران شرکت‌های تعاونی بود. در همین راستا در پنجم مهر ماه ۱۳۷۷ پاره‌ای از مواد مربوط مورد بازنگری و اصلاحات قرار گرفت؛ از جمله این اصلاحات افزایش دوران تصدی هیأت مدیره به سه سال و کاهش مسئولیت بازرسان از ۲ سال به یک سال مالی می‌باشد. در کنار قوانین مذکور قانون اساسی نیز بر لزوم تشکیل این شرکت‌ها تأکید نمود.

در اصل ۴۴ این قانون می‌خوانیم: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود...».

در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، در سال ۱۳۸۶ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی^۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بر اساس این قانون علاوه بر شرکت‌های تعاونی سابق که در این قانون از آن‌ها تحت عنوان «شرکت‌های تعاونی متعارف» یاد شده است، یکسری تعاونی‌های دیگر نیز به وجود آمد که به «تعاونی‌های نوع جدید» معروف شدند. این تعاونی‌ها عبارتند از تعاونی سهامی عام، تعاونی فراگیر، تعاونی توسعه و عمران شهرستان. از این میان ماده‌ی ۱۲ قانون مذکور تعاونی سهامی عام را از زیر مجموعه‌ی قانون بخش تعاونی خارج و آن را زیر مجموعه‌ی قانون سهامی عام قرار داده است.

بر اساس ماده ۱ دستورالعمل تشکیل شرکت‌های تعاونی سهامی عام مصوب ۱۳۸۹، شرکت تعاونی سهامی عام نوعی شرکت سهامی عام است که با رعایت قانون تجارت و محدودیت‌های مذکور در قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» تشکیل می‌گردد. دفتر تعاونی خدمات یکی از اهداف اصلی راه‌اندازی این نوع خاص از تعاونی‌ها را جلب سرمایه‌گذاری‌های جدید و ایجاد انگیزه در بخش تعاون دانسته و اظهار داشت با ایجاد چنین نهادی امکان حضور شرکت‌های تعاونی در بورس فراهم گشته و علاوه بر این مهم، با تشکیل این شرکت‌ها می‌توان بر معضل عدم سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه به دلیل محدودیت رأی فائق آمد به خصوص این که هدف ما در شرکت‌های تعاونی افزایش مشارکت

۱- ابتدا نام این قانون که در سال ۱۳۸۶ «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» بود که به دلیل طولانی بودن عبارت آن به «قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴» تغییر یافت.

اعضاء می‌باشد نه قانونی که بر این شرکت‌ها حاکم می‌باشد. به همین دلیل قانونگذار برای تشکیل این تعاونی‌ها عضویت حداقل ۲۰۰ شخص را لازم دانسته است.

علاوه بر آن با هدف کمک به دهک‌های پایین جامعه برای حضور در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، توزیع ثروت و همچنین فقرزدایی این نوع جدید از تعاونی‌ها تحت عنوان «تعاونی فراگیر ملی» نیز شکل گرفتند. برابر دستورالعمل تشکیل تعاونی فراگیر ملی مصوب ۱۳۸۹، شرکت تعاونی فراگیر ملی: نوعی تعاونی متعارف است که برای فقرزدایی از سه دهک پایین درآمدی تشکیل می‌شود و عضویت سایر افراد در این تعاونی آزاد است ولی در بدو تشکیل حداقل ۷۰ درصد اعضای آن باید از سه دهک پایین درآمدی باشند.^۱

نوع دیگر از تعاونی‌های نوع جدید که با تصویب قانون سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶ به وجود آمدند، تعاونی توسعه و عمران شهرستان می‌باشد. بر اساس ماده قانون تأسیس شرکت‌های تعاونی

۱- براساس قسمت دوم از بخشنامه‌ی شماره ۱/۷۶۹۵۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۳ وزارت تعاون، تشخیص سه دهک در آمدی بر عهده‌ی مرکز آمار ایران است ولی تا زمانی که آن مرکز فهرست این اشخاص را اعلام نکرده است اقشار زیر و خانواده‌های آنان جزء سه دهک پایین درآمدی تلقی می‌شوند؛

- اشخاص تحت پوشش نهادهای حمایتی از جمله کمیته‌ی امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی.

- روستائیان و عشایر کشور.

- مستمری بگیران.

- کارگران شاغل در زمینه‌ی فرش دستباف، صنایع دستی، کار فصلی (کشاورزی، ساختمانی، صیادی و...)

- زنان بیکار سرپرست خانوار.

توسعه و عمران شهرستان که در سال ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، به منظور تسریع در رشد و توسعه شهرستان‌ها، هدایت منابع مردمی به بخش‌های تولیدی، بسترسازی برای ورود بخش‌های تعاونی و خصوصی به فعالیت‌های اقتصادی و انجام طرح‌هایی که به دلیل افزونه‌زا (رانستزا) بودن آن، امکان واگذاری به بخش خصوصی وجود نداشت، شرکت‌هایی با عنوان «شرکت‌های تعاونی توسعه و عمران شهرستانی» که تابع این قانون، قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی می‌باشند، تشکیل شدند. لازم به ذکر است که اعضای این تعاونی‌ها کلیه‌ی افراد حقیقی متولد یا ساکن یا شاغل در آن شهرستان می‌باشند.

بنابراین قانون حاکم بر تعاونی‌ها باید در دو قسمت بررسی گردد: تعاونی‌های متعارف و تعاونی‌های نوع جدید.

۱- تعاونی‌های متعارف (همان شرکت‌های تعاونی سابق)

با توجه به وجود مواد ۱۹۰ الی ۱۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ و قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحیه‌ی بعدی آن نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، مشخص شدن قانون حاکم بر شرکت‌های تعاونی متعارف از میان سه قانون یاد شده است.

در آخرین مرحله‌ی قانونگذاری، ماده‌ی ۷۰ قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ کلیه‌ی قوانین و مقررات مغایر با این قانون را ملغی اعلام نموده است. صرف‌نظر از قوانین فعلی که شرکت‌های تعاونی را از شمول قانون تجارت خارج نموده‌اند، با استناد به ماده‌ی ۷۱ قانون یاد شده و با بررسی هر کدام از مواد ۱۹۰ الی ۱۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، این مورد را در تعارض با مواد قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ می‌بینیم؛ لذا در بررسی قوانین موجود

در شرکت‌های تعاونی باید مواد مربوط به آن در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ را از شمول این قوانین خارج دانست. نتیجه‌ی عملی این بحث قائل شدن به نسخ مواد ۱۹۰ الی ۱۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و عدم حکومت آن بر شرکت‌های تعاونی می‌باشد.^۱

در خصوص نسخ یا عدم نسخ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ می‌توان دو نظر متفاوت ارائه داد:

نظر اول - هیچ یک از مقررات سال ۱۳۵۰ قابلیت اجرایی نخواهد داشت: برای این نظریه دلایلی چند ابراز شده است از جمله:

۱- متن ماده‌ی ۱۴۹ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ که اعتبار آن قانون را تا زمان تصویب قانون بعدی اعلام نموه و تصویب قانون جدید و صراحت ماده‌ی ۷۱ قانون اخیرالتصویب مبنی بر لغو کلیه‌ی قوانین مغایر با آن قانون.

۲- قانونگذار در سال ۱۳۷۰ در مقام بیان کلیه‌ی مقررات شرکت‌های تعاونی بوده و عدم اشاره به تعدادی از مواد قانونی قبلی در قانون جدید عامداً و از روی آگاهی و با توجه به فقدان قابلیت اجرای آن‌ها در قانون جدید بوده است.

۳- مجری قانون حق ندارد نقاط ضعف و فقدان را که منجر را که به اتخاذ شیوه‌های متفاوت اجرایی می‌گردد، جبران نماید.^۲

نظر دوم - با توجه به دلایل زیر مندرجاتی از قانون قدیم که در قانون

۱- از میان اساتید حقوق تجارت، صفی‌نیا صریحاً قائل به نسخ مواد ۱۹۰ الی ۱۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شده‌اند. ر. ک صفی‌نیا، سید نورالدین، درآمدی بر شرکت‌های تجاری در ایران، جلد اول، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۱، صص ۲۶۳-۲۶۶.

فعلی مسکوت مانده است، قابلیت اجرایی دارد:

۱- مفهوم مخالف ماده‌ی ۷۱ قانون بخش تعاونی دائر بر این که کلیه قوانین مغایر با این قانون غیر قابل اجرا اعلام شده است. با توجه به این که موارد مسکوت، هیچگونه مغایرتی چه به‌طور صریح و چه به صورت ضمنی با قانون بخش تعاونی ندارند، لذا قابل اجرا و استناد هستند.

۲- استفاده از ملاک لایحه‌ی استفساریه در خصوص تأثیر ماده‌ی ۱۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۱ بر ماده‌ی ۱۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰، که طی آن در خصوص قابلیت اجرایی قانون اخیرالذکر چنین اظهار نظر شده است: «ماده واحده- با توجه به ماده‌ی ۱۴۸ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰، ماده‌ی ۱۷۳ قانون مالیات‌های مستقیم ناسخ ماده‌ی ۱۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ نمی‌باشد.»^۱

با عنایت به اظهار نظر مطروحه از سوی مجلس شورای اسلامی، می‌توان در موارد مشابه از ملاک یاد شده استفاده نمود و چنین عقیده داشت که اگر در قوانین بعدی صریحاً یا ضمناً مواد قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ نسخ نشده باشد، این مواد کما فی السابق به قوت خود باقی می‌باشد.^۲

۱- ر. ش به روزنامه‌ی رسمی ۱۴۰۶۶ مورخ ۱۳۷۲/۴/۵، ص ۱.

۲- توضیح این که برخی از شرکت‌های تعاونی (از قبیل شرکت تعاونی روستایی مسکن و اعتبار) وفق ماده‌ی ۱۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ از پرداخت مالیات معاف شده‌اند اما در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۱ در رابطه با شرکت‌های مزبور معافیتی پیش‌بینی نشده است. با توجه به این که طبق ماده‌ی ۱۷۳ قانون اخیرالذکر یکسری قوانین و مقررات مالیاتی مغایر اعلام شده‌اند، لذا این سؤال مطرح گردید که آیا ماده‌ی ۱۷۳ قانون مذکور ماده‌ی ۱۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ را نسخ نموده است تا در نتیجه‌ی آن شرکت‌های تعاونی موصوف مشمول مالیات قرار گیرند. همان‌طور که در ماده واحده‌ی مزبور اشاره شد، مجلس شورای اسلامی قائل به عدم نسخ ماده‌ی ۱۱۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ می‌باشد.

۳- استفاده از ملاک نظریه‌ی اداره‌ی حقوقی دادگستری در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۰ و به موجب جوابیه‌ی شماره‌ی ۷/۸۳۳۷ در پاسخ به استعلام شماره‌ی ۱۱/۹۰۵۳ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ اداره‌ی ثبت شرکت‌ها، در این خصوص که آیا وزارتخانه مجاز به اعمال اختیارات قانونی موضوع ماده‌ی ۱۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ می‌باشد یا خیر؟ در این نظر آمده است: «با عنایت به این که در قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ فقط قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی اعلام گردیده است و ماده‌ی ۱۴۶ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ مغایرتی با قانون مذکور ندارد و با توجه به این که در قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ نیز مقرراتی در مورد موضوع ماده‌ی ۱۴۶ ملاحظه نمی‌شود، ماده‌ی مذکور به قوت و اعتبار خود باقی بوده و دارای اعتبار می‌باشد.» با استفاده از این نظریه‌ی مشورتی، می‌توان سایر مواد قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ را که با مواد قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ هیچ تعارضی ندارند همچنان معتبر دانست.

۴- با توجه به مصالح اجتماعی و عنایت به مشکلات اجرایی ناشی از ضعف قانون جدید و بطلی جریان اصلاح آن و لحاظ ضروریات اجتماعی نسبت به اعمال قانون قدیم که در قانون جدید مسکوت مانده می‌توان اقدام نمود. بنابراین با عنایت به مراتب فوق در حال حاضر قوانین حاکم بر شرکت‌های تعاونی متعارف، قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحیه‌ی بعدی آن در سال ۱۳۷۱ و نیز آن بخش از قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ می‌باشد که قانون بخش تعاونی نسبت به آن ساکت بوده و مغایرتی با قانون مزبور نداشته باشد.

۲- تعاونی‌های نوع جدید

همان‌گونه که قبلاً بیان شد با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۶، در کنار آن دسته از تعاونی‌های موضوع قانون بخش تعاونی تعاونی‌های دیگری نیز به وجود آمدند که به تعاونی‌های نوع جدید معروف شدند. لذا بررسی قانون حاکم بر این نوع شرکت‌ها برای تعیین شرکت‌های مشمول بحث ما در کتاب حاضر ضروری است. چرا که در این کتاب فقط آن دسته از شرکت‌هایی مورد مطالعه قرار می‌گیرند که مشمول قوانین شرکت‌های تعاونی و آیین‌نامه و دستورالعمل‌های آن باشند.

تمامی تعاونی‌های نوع جدید، غیر از آن مواردی که در خصوص آن‌ها قانون خاصی تصویب شده^۱ یا مواردی که در اساسنامه‌ی آن‌ها استثنا شده است^۲ و به استثنای تعاونی سهامی عام^۳ و نیز تعاونی فراگیر ملی، به هنگام

۱- مانند قانون تعاونی توسعه و عمران شهرستان مصوب ۱۳۸۹ که البته این قانون تعاونی مذکور را به‌طور کامل از شمول قانون بخش تعاونی خارج نکرده است بلکه در پاره‌ای از موارد مقررات متفاوتی از آن قانون وضع نموده است.

۲- مانند این که در اساسنامه‌ی تعاونی فراگیر ملی آمده است که ۷۰ درصد اعضای آن در بدو تشکیل شرکت باید از سه دهک پایین درآمدی باشند.

۳- برابر ماده ۱۸ نمونه اساسنامه‌ی شرکت‌های سهامی عام، مجامع عمومی شرکت با رعایت مفاد قانون تجارت و قانون «اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴» تشکیل می‌شوند و وظایف و اختیارات مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده شرکت، همان وظایف و اختیارات مندرج در قانون تجارت برای مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده شرکت‌های سهامی عام است.

لازم به ذکر است مجامع عمومی در تعاونی سهامی عام که تعداد سهامداران آن از پانصد نفر بیشتر باشد با بلوک‌بندی برگزار خواهد شد. هر یک از سهامداران مخیرند از طریق بلوک، نماینده انتخاب کنند و یا مستقیماً در مجمع عمومی حضور یابند. برای رعایت حقوق سهامداران خرد نحوه بلوک‌بندی در آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که مشترکاً توسط وزارت تعاون و وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تشکیل در قالب تعاونی سهامی عام، مشمول قانون بخش تعاونی می‌باشند.^۱ لذا موارد ارائه شده در این کتاب آن‌ها نیز در بر می‌گیرد مگر این که در نمونه‌ی اساسنامه‌ی آن‌ها مورد دیگری مقرر شده باشد که در این صورت به آن‌ها نیز اشاره خواهیم کرد.

ب- اهمیت و سابقه‌ی موضوع

با توجه به این که شرکت‌های تعاونی به دلیل بهره‌مندی از امتیازات خاص می‌تواند در ایران نیز مانند کشورهای غربی مورد استفاده‌ی بخش خصوصی قرار گیرد، لذا شناخت بیش‌تر و بهتر این شرکت‌ها و بخصوص شناخت ارکان تصمیم‌گیرنده‌ی آن‌ها ضروری است. به ویژه آن که بعد از انقلاب اسلامی شرکت‌های تعاونی رشد چشم‌گیری داشته‌اند؛ این در حالی است که مردم عادی و حتی بعضی از سهامداران اینگونه شرکت‌ها، تنها با نام شرکت تعاونی آشنایی دارند. مضافاً بر این که توسعه و گسترش شرکت‌های تعاونی بخصوص در جامعه‌ی اسلامی موجب شکوفایی اقتصاد کشور گشته و همین امر حمایت از آن‌ها را ضروری می‌نماید. از این میان مطالعه‌ی مجمع عمومی به عنوان بالاترین رکن تعاونی‌ها بسیار مهم است. در واقع مجامع عمومی در هر شرکت حکم قوه‌ی مقننه‌ی آن شرکت را دارند و آن را می‌توان به پارلمان یک کشور که عهده‌دار وضع و تصویب قوانین است تشبیه نمود. همین امر نشان‌دهنده‌ی اهمیت و تأثیرگذاری این رکن از ارکان شرکت می‌باشد. با این وجود این موضوع از جمله موضوعاتی است که تا

۱- توضیح این که برابر ماده ۱۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ تعاونی‌های سهامی عام تابع لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ قرار گرفته‌اند.

کنون مورد مطالعه‌ی دقیق قرار نگرفته است. کتب حقوقی نیز که در این زمینه به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند محدود بوده و غالباً مجمع عمومی شرکت تعاونی را در کنار سایر ارکان این شرکت بررسی نموده‌اند. به جرأت می‌توان گفت تا کنون کتابی که این موضوع را به‌طور مستقل مورد کنکاش قرار داده باشد، تألیف نشده است. تنها منبعی که در این زمینه قابل اعتنا است پایان‌نامه‌ای با عنوان «شرکت تعاونی» است که در سال ۱۳۷۲ توسط آقای حسین ادیب‌زاده نگارش شده است. اما با توجه به اصلاح قانون بخش تعاونی در سال ۱۳۷۷، پایان‌نامه‌ی مذکور در برخی موارد نمی‌تواند راهگشا باشد. علاوه بر آن محدودیت منابع تحقیقی، عملکرد ضعیف مقنن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و مسکوت گذاردن موضوعات مهم مربوط به این شرکت‌ها، این ضرورت را ایجاد می‌نماید که مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی برای نخستین بار مورد مطالعه قرار گیرند.

لذا در این کتاب تلاش می‌شود تا مجامع عمومی به عنوان رکن رکن شرکت‌های تعاونی مورد مطالعه قرار گیرند تا خلأها و ایرادات موجود در قانون بخش تعاونی مورد شناسایی قرار گرفته و بتوان با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و مفید در جهت رفع آن‌ها اقدام نمود.

مبنای مطالعه در این کتاب، همانگونه که در بحث از قانون حاکم بر شرکت‌های تعاونی عنوان گردید، قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰ و اصلاحیه‌ی بعدی آن در سال ۱۳۷۱ و نیز آن بخش از قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ می‌باشد که قانون بخش تعاونی نسبت به آن ساکت بوده و مغایرتی با قانون مزبور نداشته باشد. همزمان با قوانین فوق، موادی از لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و بخشی از قانون تعاون

جمهوری فرانسه مصوب ۱۹۸۳^۱ و قانون تعاون جمهوری فدرال آلمان مصوب ۱۹۹۳^۲ نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرند. زیرا با مطالعه و تطبیق این قوانین، می‌توان در جهت ارائه‌ی راهکارهای اصلاحی به قانونگذار به نحو موفق‌تری عمل کرد.

نظر به این که قانونگذار تمامی مسائل مربوط به شرکت‌های تعاونی را در قانون بخش تعاونی مورد توجه قرار نداده است، بنابراین جهت مطالعه‌ی دقیق‌تر می‌بایست به آیین‌نامه‌های قانون مذکور توجه نمود. مهم‌ترین این آیین‌نامه‌ها عبارتند از آیین‌نامه‌ی اجرائی قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۱ و آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی تشکیل مجامع عمومی مصوب ۱۳۸۷.

با وجود تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های متعدد، موضوعاتی در شرکت‌های تعاونی وجود دارد که قوانین و آیین‌نامه‌های فوق‌الذکر قادر به پوشش آن‌ها نیستند؛ از این‌رو جهت مرتفع نمودن مسائل ایجاد شده، دستورالعمل‌هایی نیز به تصویب رسیده است که در بسیاری موارد می‌توانند مفید باشند. از جمله‌ی این دستورالعمل‌ها، دستورالعمل تشکیل تعاونی‌ها مصوب ۱۳۷۸، دستورالعمل چگونگی نظارت وزارت تعاون بر انتخاب شرکت‌ها، اتحادیه‌های تعاونی و اتاق‌های تعاون، مصوب ۱۳۸۸ وزارت تعاون و دستورالعمل تشکیل مجامع عمومی دو مرحله‌ای مصوب ۱۳۸۷ هستند.

با لحاظ مطالب فوق‌الذکر انتخاب موضوع مزبور به منظور دستیابی به اصول کارآمد در خصوص نحوه‌ی فعالیت مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی ضروری به نظر می‌رسد.

۱- قانون تعاون در جمهوری فدرال آلمان، مصوب ۱۹۹۳، ترجمه، مهدی محمدی، انتشارات وزارت تعاون، آذر ماه ۱۳۷۳.

۲- قانون تعاون جمهوری فرانسه، مصوب ۱۹۸۳، ترجمه، دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۳.

ج- سازمان دهی

مجمع عمومی مرجعی است که عهده‌دار اتخاذ تصمیم و نظارت بر امور شرکت‌های تعاونی می‌باشد. این مرجع از اجتماع اعضاء تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها تشکیل می‌گردد و تمام اعضاء در آن حق حضور و رأی دارند. هر عضو قطع نظر از میزان سهام فقط دارای یک رأی است. البته با تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۶ و به موجب ماده‌ی ۱۰ آن گروه دیگری از افراد نیز هستند که با وجود این که عضو تعاونی نیستند - در صورت پیش‌بینی در اساسنامه - می‌توانند بدون احتساب در نصاب رسمیت جلسه در مجمع حضور یافته و حق رأی خود را به میزانی که در اساسنامه معین شده اعمال کند. لازم به ذکر است مجموع میزان رأیی که این دسته از سهامداران می‌توانند اعمال نمایند نباید بیشتر از ۳۵ درصد کل آراء باشد.

مجامع عمومی شرکت‌های تعاونی بر دو قسم است: ۱- مجمع عمومی عادی ۲- مجمع عمومی فوق‌العاده (ماده ۳۰ ق.ب.ت.).
بنابراین محور اصلی بحث ما را دو مجمع عمادی و فوق‌العاده تشکیل می‌دهند.

نظر به این که مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق‌العاده واجد مقررات مشترکی می‌باشند، لذا برای احتراز از تکرار مطالب، بدو از وجوه مشترک مجامع عمومی (بخش اول) و سپس وجوه افتراق آن مجامع (بخش دوم) سخن به میان خواهیم آورد.

از آنجا که مهم‌ترین بحث در هر مجمع روند تشکیل و تصمیم‌گیری در آن می‌باشد بنابراین در هر بخش به بررسی این دو مهم خواهیم پرداخت.